

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

## موضوع:

### احکام؛ مشاغل و مکاسب حرام

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: علی

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۱/۲

چرا برده‌داری در قرآن تأیید شده و حقوق و احکام جداگانه برای آن قید شده است؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۱/۸

خرید، فروش و نگهداری برده چیزی نیست که اسلام آن را تأسیس کرده باشد، بل چیزی است که هزاران سال پیش از اسلام تأسیس شده و با حالتی ظالمانه رواج یافته و اسلام آن را محدود کرده و با وضع احکامی عادلانه، از حالت ظالمانه خارج ساخته است. برده در اسلام کسی است که خودش یا پدرش دشمن خداوند و خلیفه‌اش در زمین بوده و در جنگ با مسلمانان به اسارت آنان درآمده، ولی به جای آنکه کشته شود به یکی از مسلمانان سپرده شده است تا به قدر توان خود و در چهارچوب احکام اسلام برای او کار کند و در عوض آن، از حق مسکن، خوراک، پوشاک و ازدواج بهره‌مند شود و این مانند استخدام او به مثابه‌ی یک کارگر تمام وقت است که همزمان به او فرصت می‌دهد تا با فرهنگ و آموزه‌های اسلامی آشنایی یابد و با میل خود -بدون هیچ اجباری- مسلمان شود و به سعادت حقیقی در آخرت دست یازد. با این همه، خرید و فروش برده از بدترین مشاغل در اسلام شمرده شده و آزاد کردن برده کفاره‌ی بسیاری از گناهان است و این از گرایش این دین رحمانی به آزادی بردگان حکایت دارد.

### تعلیقات

پرسش‌ها و پاسخ‌های فرعی

پرسش فرعی ۱

نویسنده: احسان

تاریخ: ۱۳۹۹/۱/۳۱

در پاسخ به پرسش مربوط به برده‌داری، فرموده‌اید که برده در اسلام، همان اسیری است که



- زمانی مشرک بوده و با خلیفه‌ی خداوند جنگیده است. در این باره چند سؤال دارم:
۱. چرا اسلام زنان غیر محارب را نیز به بردگی می‌گیرد؟ در حالی که آنان در جنگ شرکت نکرده‌اند.
  ۲. چرا تملک بردگان بعد از اسلام آوردن و توبه‌ی آنان، همچنان باقی می‌ماند و ساقط نمی‌شود؟
  ۳. چرا پیامبر پس از فتح مکه، بزرگ‌ترین دشمن اسلام یعنی ابو سفیان را مشمول بردگی نساخت؟

تاریخ: ۱۳۹۹/۲/۴

پاسخ به پرسش فرعی ۱

لطفاً به نکات زیر توجه کنید:

۱. زنان دشمنان اسلام، سنگ‌هایی در خانه‌های آنان نیستند تا مسؤولیتی در قبال اعمال آنان نداشته باشند، بلکه انسان هستند و به اقتضای انسان بودن، عقل و اختیار دارند و تبعاً مکلف به پذیرش اسلام و سپس بازداشتن شوهرانشان از دشمنی با آن یا جدا شدن از آنان هستند. پس هرگاه با وجود این شرایط، اسلام را نپذیرند و شوهران خود را از دشمنی با آن بازدارند یا از آنان جدا نشوند، همفکر و همکار دشمنان اسلام، بلکه از زمره‌ی آنان محسوب می‌شوند؛ جز اینکه به دلیل **ضعف عقل** و حضور غیر مستقیم در جنگ، شایسته‌ی ترحم هستند و از این رو، کشتن آنان روا نیست؛ همچنانکه فرزندان دشمنان اسلام نیز هرگاه بالغ باشند، مقصر محسوب می‌شوند؛ چراکه نه پدران خود را از کفر و ظلم بازداشته‌اند و نه خانه‌های آنان را ترک کرده‌اند و به جبهه‌ی حق پیوسته‌اند و اگر نابالغ باشند نیز در خانه‌های دشمنان اسلام، بدون سرپرست یا تحت سرپرستی دشمنان اسلام رها نمی‌شوند؛ چراکه در این صورت، یا از بین می‌روند، در حالی که هنوز جرمی مرتکب نشده‌اند و یا تحت سرپرستی دشمنان اسلام، به یکی از آنان تبدیل می‌شوند. از این رو، جایز است که سرپرستی آنان به مسلمانان واگذار شود، تا در ازای خدمتی متعارف و عادلانه، از یک سو نفقه‌ی شان تأمین شود و از سوی دیگر از تأثیر سوء تربیت و نفوذ فرهنگی دشمنان اسلام رهایی یابند؛ چراکه برده بودن در آغوش اسلام، بهتر از آزاد بودن زیر یوغ کفر است.

۲. مسلمانی که غلام یا کنیزش را مانند یکی از اعضاء خانواده‌ی خود در خانه‌ی خود نگهداری کرده و با رعایت احکام و اخلاق اسلامی پرورانده و تعلیم داده است، ولی نعمت او محسوب می‌شود و بر گردن او حقی مانند حق پدر یا شوهر پیدا کرده و طبیعی است که این حق، با مسلمان شدن غلام یا کنیز از بین نمی‌رود؛ چراکه غلام یا کنیز برای خودش مسلمان شده و سعادت خودش را تضمین کرده؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهِ﴾**؛

۱. الزمر / ۴۱

www.alkhorasani.com

بایکلا اطلاع هر سید را فتره منصوصاً بها شیعی خراسانی حفظه الله تعالی

«هر کس هدایت یابد، برای خودش هدایت یافته و هر کس گمراه شود به زیان خودش گمراه شده است». از این رو، خدمت‌گزاری به مولایش پس از مسلمان شدن از عهده‌ی او برداشته نمی‌شود، تا آن گاه که خود را با قراردادی منصفانه از مولایش باز خرید کند یا مولایش با رضایت خود او را آزاد گرداند و البته برای مولایش شایسته است که هرگاه در او خیری می‌بیند، زمینه‌ی آن را فراهم سازد؛ چنانکه خداوند به آن سفارش کرده و فرموده است: **﴿وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَأَنْتُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ﴾**<sup>۱</sup>؛ «و با کسانی از بردگانتان که خواهان بستن قرارداد برای آزادی خود هستند، قرارداد ببندید اگر در آنان خیری می‌یابید و از مال خداوند که به شما عطا فرموده است به آنان بدهید».

۳. ابو سفیان از بزرگان قریش محسوب می‌شد و نزد اعراب بسیار محترم بود و مرام پیامبر ذلیل ساختن بزرگان و اشخاص مورد احترام مردم نبود، بل می‌کوشید که احترام آنان را تا حدّ ممکن حفظ کند، تا هم خود به اسلام رغبت پیدا کنند و هم قومشان؛ چنانکه می‌فرمود: **«إِذَا أَتَاكُمْ كَرِيمٌ قَوْمٌ فَأَكْرُمُوهُ»**<sup>۲</sup>؛ «هرگاه بزرگ قومی به نزدتان آمد، او را گرامی بدارید» و روایت شده است: **«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُؤَلِّفُهُمْ وَلَا يُتَفَرِّهُمْ وَيُكْرِمُ كَرِيمَ كُلِّ قَوْمٍ وَيُؤَلِّيه عَلَيْهِمْ»**<sup>۳</sup>؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مردم را جذب می‌کرد و فراری نمی‌داد و بزرگ هر قومی را گرامی می‌داشت و بر آنان می‌گماشت». از این رو، نه تنها به برده ساختن ابو سفیان دستور نداد، بلکه چون به مکه داخل شد فرمود: **«مَنْ دَخَلَ دَارَ أَبِي سُفْيَانَ فَهُوَ آمِنٌ»**<sup>۴</sup>؛ «هر کس به خانه‌ی ابو سفیان داخل شود، در امان است»؛ همچنانکه بعد از پیروزی در جنگ حنین نیز بخش بزرگی از غنائم را به او بخشید تا از او دلجویی شود؛ خصوصاً با توجه به اینکه او در آستانه‌ی ورود پیامبر به مکه، به نزد او آمد و اسلام را پذیرفت.

۱. التّور/ ۳۳

۲. مصنف ابن ابي شيبة، ج ۵، ص ۲۳۴؛ تاريخ المدينة لابن شبة، ج ۲، ص ۵۳۹؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۲۲۳؛ المحاسن للبرقي، ج ۲، ص ۳۲۸؛ مسند البزار، ج ۱۲، ص ۱۸۸، ج ۱۴، ص ۳۴۲؛ مكارم الأخلاق للخرائطي، ص ۲۳۴؛ الكافي للكليني، ج ۲، ص ۶۵۹، ج ۸، ص ۲۱۹؛ المسند للشاشي، ج ۲، ص ۹۵؛ دلائل الإمامة للطبري الإمامي، ص ۱۹۴؛ المعجم الكبير للطبراني، ج ۲، ص ۳۲۵، ج ۱۱، ص ۳۰۴، ج ۲۰، ص ۱۰۴؛ أمثال الحديث لأبي الشيخ الأصبهاني، ص ۱۷۷؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۴، ص ۲۹۲؛ معرفة الصحابة لأبي نعيم الأصبهاني، ج ۴، ص ۲۴۷؛ مسند الشهاب لابن سلامة، ج ۱، ص ۴۴۳؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۸، ص ۲۹۱

۳. الطبقات الكبرى لابن سعد، ج ۱، ص ۳۲۶؛ المعرفة والتاريخ ليعقوب بن سفيان، ج ۳، ص ۲۸۶؛ أنساب الأشراف للبلاذري، ج ۱، ص ۳۸۸؛ الشمامل المحمدية للترمذي، ص ۲۷۷؛ مناقب أمير المؤمنين لمحمد بن سليمان الكوفي، ص ۱، ص ۲۳؛ صفة النبي لابن شبيب، ص ۱۳؛ الأحاديث الطوال للطبراني، ص ۲۴۵؛ عيون أخبار الرضا لابن بابويه، ج ۱، ص ۲۸۴؛ معرفة الصحابة لأبي نعيم الأصبهاني، ج ۵، ص ۷۵۱؛ دلائل النبوة للبيهقي، ج ۱، ص ۲۸۹؛ الأنوار في شمائل النبي المختار للبيهقي، ص ۳۴۶؛ مكارم الأخلاق للطبرسي، ص ۱۴

۴. مسند أبي داود الطيالسي، ج ۴، ص ۱۸۸؛ مغازي الواقدي، ج ۲، ص ۸۱۸؛ السيرة النبوية لابن هشام، ج ۲، ص ۴۰۳؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۷، ص ۴۰۶؛ مسند إسحاق بن راهويه، ج ۱، ص ۲۹۹؛ مسند أحمد، ج ۱۳، ص ۲۹۹، ج ۱۶، ص ۵۵۴؛ أخبار مكة للأزرقي، ج ۲، ص ۲۳۵؛ الأموال لابن زنجويه، ج ۱، ص ۲۰۰؛ صحيح مسلم، ج ۳، ص ۴۰۷؛ سنن أبي داود، ج ۴، ص ۶۳۴؛ فتوح البلدان للبلاذري، ج ۱، ص ۴۸؛ تاريخ الطبري، ج ۳، ص ۵۴؛ مستخرج أبي عوانة، ج ۴، ص ۲۸۹؛ صحيح ابن حبان، ج ۱۱، ص ۷۵؛ المعجم الكبير للطبراني، ج ۸، ص ۱۳؛ سنن الدارقطني، ج ۴، ص ۱۷؛ دلائل النبوة للبيهقي، ج ۵، ص ۳۱



از اینجا دانسته می‌شود که همه‌ی احکام اسلام عادلانه و همه‌ی اعمال پیامبر حکیمانه بوده است و کسانی که چنین نمی‌اندیشند، دچار اشتباه و کج‌فهمی هستند و باید باورها و دیدگاه‌های خود را اصلاح کنند؛ به این معنا که با احکام اسلام و اعمال پیامبر هماهنگ سازند.

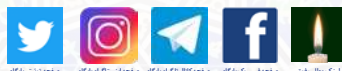


پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ جراسانی  
مجلسین با حکم کتبی از هیئت‌های تخصصی



[www.alkhorasani.com](http://www.alkhorasani.com)

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ جراسانی حفظه الله تعالی



\* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.